



احمد جمالی

حقیقت و آثار قرآن

۲

کتاب خدا انسان را از خواب غفلت بیدار می کند

چگونگی نزول قرآن کریم

خداوند متعال در آیات متعددی از نازل شدن قرآن از طرف سوی خود اشاره کرده است. معنای نازل کردن هم، پایین آوردن است. از این تعبیر می توان فهمید که قرآن مجید دارای حقیقتی بسیار والا و بلند مرتبه است و خداوند متعال برای اینکه مردم بتوانند آن را بفهمند و از آن استفاده کنند، آن را پایین آورده و نازل فرموده است تا به صورت الفاظ و کلمات درآید.

مطلب مهمی که باید به آن توجه داشت این است که نزول قرآن با نازل شدن باران فرق دارد. نازل شدن باران چند ویژگی دارد: ۱- نزول باران، نزولی مادی و جسمانی و به معنای منتقل شدن از مکانی بالاتر به مکانی پایینتر است. قطرات باران از مکانی به نام آسمان، به مکان دیگری به نام زمین فرود می آیند. ۲- حقیقت باران در زمان فرود آمدن تغییر پیدا نمی کند یعنی همان قطرات باران که در آسمان است به همان صورت و بدون هیچ نوع تغییری در وجودشان، به زمین فرود می آیند. ۳- از آنجا که نزول باران، نزولی مادی است، قطرات باران در یک جا بیشتر نمی توانند باشند، یعنی زمانی که در آسمان هستند، در زمین نیستند و زمانی که به زمین فرود می آیند دیگر در آسمان وجود ندارند و جای آنها در آسمان خالی می شود.

ویژگیهای نزول قرآن کریم، با هر سه ویژگی مذکور متفاوت است زیرا اولاً نزول این کتاب آسمانی،

نزولی مادی و جسمانی نیست بلکه مراد، نزول قرآن از عالمی به عالمی دیگر است. به عبارت دیگر قرآن از عالمی عالی و غیر مادی فرود آمده تا به عالم مادی و جسمانی رسیده است، بنابراین نزول قرآن به معنای انتقال از مکانی به مکان دیگر نیست. ثانیاً قرآن در زمان فرود آمدن تغییر کرده و در هر عالمی که پایین می آید، وجودی متناسب با همان عالم پیدامی کند بنابراین قرآن قبل از نازل شدن و پس از نازل شدن به یک شکل نیست. ثالثاً از آنجا که نزول قرآن، نزولی معنوی است، پس از نازل شدن قرآن از عالم غیر مادی به عالم مادی، جای آن در عالم غیر مادی خالی نمی شود. به عبارت دیگر این طور نیست که قرآن یا باید در آن عالم وجود داشته باشد یا در این عالم، بلکه قرآن کریم در عین حال که به عالم مادی نازل شده است، در تمام عوالم دیگر نیز حضور دارد و با نازل شدن قرآن، چیزی از حقیقت آن کاسته نشده بلکه به همان صورت قبلی باقی مانده است. بحث دیگر درباره چگونگی نزول قرآن این است که نازل شدن آن در آیات الهی به دو صورت مطرح شده است. مفاد بعضی از آیات این است که قرآن کریم به طور دفعی و یکجا بر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نازل شده است مانند:

«إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ (۱۳)»

«ما قرآن را در شب قدر نازل کردیم».

«إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ (۱۴)»

«ما قرآن را در شب مبارکی نازل کردیم».

«شَهْرَ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ... (۱۵)»
«ماه رمضان که قرآن در آن نازل شده است...»

از این آیات استفاده می شود که قرآن به طور یکجا و در شب قدر نازل شده است؛ شب قدری که در ماه مبارک رمضان است. اما مفاد بعضی آیات دیگر این است که قرآن در طول سال ها بتدریج بر پیامبر نازل شده است چنانچه از نظر تاریخی نیز قطعی و مسلم است که قرآن در طول ۲۳ سال و به طور تدریجی به رسول خدا وحی شده است، با توجه به اینکه نزول تدریجی قرآن قطعی و یقینی است، این سؤال برای علما و مفسران پیش آمده که چرا خداوند فرموده ما قرآن را در یک شب نازل کردیم؟ و برای توجیه این مطلب نظراتی ارائه کرده اند.

به نظر می رسد پاسخ صحیح این باشد که قرآن کریم دوبار بر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نازل شده است؛ یک بار تمام قرآن به طور دفعی و در یک شب نازل شده و بار دیگر بتدریج و در طول ۲۳ سال. نزول دفعی قرآن مناسب با نازل شدن باطن قرآن و نزول تدریجی آن مناسب با نازل شدن آن در قالب الفاظ و کلمات است. در نتیجه «باطن» قرآن کریم یک بار به طور کامل در شب قدر بر قلب مبارک پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) نازل شده و بار دیگر به صورت تدریجی و به شکل الفاظ و کلمات و در طول سالهای نبوت رسول اکرم به وی وحی شده است.

قرآن کریم معجزه ای جاودانی

♦ دانست آنچه که غفلت را از بین می برد علم نیست؛ موعظه و یادآوری است. زیرا در اثر موعظه و یادآوری (البته اگر با استقبال مخاطب مواجه شود)، در شخص حالتی ایجاد می شود که به آن حالت تذکر می گوئیم. حالت تذکر کاملاً مخالف غفلت است و با آمدن تذکر، غفلت از بین می رود.



خداوند متعال در طول تاریخ، برای هدایت انسانها پیامبران بسیاری فرستاده است. هر یک از این پیامبران برای اینکه نبوت خود را برای مردم ثابت کنند، به اذن الهی برایشان معجزه می آوردند، یعنی عملی انجام می دادند که سایر مردم از انجام آن عاجزند. پیامبر خاتم (صلی الله علیه و آله) نیز از طرف خداوند، معجزاتی برای مردم آوردند، ولی تنها معجزه باقی مانده پیامبر اکرم برای همه انسانها، قرآن کریم است. یعنی هر کسی در هر زمانی در نبوت و رسالت محمد بن عبدالله (صلی الله علیه و آله) شک داشته باشد و بخواهد این مسئله را بررسی کند، کافی است قرآن کریم را مورد مطالعه و تحقیق قرار دهد. در این صورت یقین پیدا خواهد کرد که این کتاب بزرگ، کلام بشر نیست و کلام خداوند متعال است که آن را برای هدایت انسانها نازل فرموده و در عین حال آن را معجزه پیامبرش نیز قرار داده است.

حال این پرسش مطرح می شود که قرآن مجید از چه نظر و از چه جهتی معجزه است؟ به عبارت دیگر، معجزه بودن قرآن به چه چیز آن است و چه خصوصیتی باعث می شود قرآن معجزه باشد؟ پاسخ این است که قرآن کریم از جهات مختلفی معجزه است و هر کسی در هر موردی تخصص داشته باشد، به معجزه بودن قرآن در آن زمینه پی خواهد برد.

موارد اعجاز قرآن عبارتند از:

۱- قرآن از نظر لفظی و از جهت فصاحت و بلاغت معجزه است یعنی الفاظ قرآن کریم طوری هماهنگ کنار هم قرار گرفته اند که با زیباترین، فصیحترین و بلیغترین جملات بر معانی بسیار عمیق دلالت می کنند، به طوری که انسان قادر نیست چنین کلام زیبایی بیاورد. پس این کتاب کلام خالق بشر است.

۲- قرآن از جهت علوم و معارف بی شمار موجود در آن، معجزه است و اگر کسی در این زمینه تخصص داشته باشد، خواهد فهمید که این همه علوم و معارف عمیق و دقیق و این همه اسرار و رموز هستی را در یک کتاب قرار دادن، از عهده انسان خارج و کار خداوند متعال است.

۳- نزول قرآن در آن عصر نیز معجزه است. زیرا آن زمان، عصر جاهلیت و خرافات و تعداد کسانی که خواندن و نوشتن بلد بودند انگشت شمار بود. در چنان زمانی آوردن این کتاب عمیق و دقیق، یقیناً معجزه ای است که از قدرت انسان خارج است.

۴- قرآن از جهت آورنده آن معجزه است زیرا پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) تا پیش از نزول

قرآن، حتی سواد خواندن و نوشتن نیز نداشتند و تا آن زمان هیچ گاه با دست خود چیزی ننوخته بودند و همه مردم می دانستند که ایشان به مدرسه نرفته و نوشتن نیاموخته اند. وقتی چنین شخصی، چنین کتابی بیاورد که سرشار از علوم و معارف عمیق است، معلوم می شود که قطعاً معجزه ای صورت گرفته و خداوند آن را نازل کرده است.

۵- قرآن در دادن خبرهای غیبی نیز معجزه است. در موارد متعددی، قرآن مجید از حوادث آینده خبر داده است و تاریخ نشان داده که تا این زمان تمام پیشگوییهای قرآن به همان صورت که خبر داده شده، به وقوع پیوسته است. البته زمان وقوع بعضی از آنها هنوز فرا نرسیده و آنها نیز در زمان خود به وقوع خواهند پیوست.

۶- قرآن کریم از جهت تحدی معجزه است. قرآن در آیات متعددی تحدی کرده، یعنی از دیگران خواسته است اگر می توانند کتابی و یا حداقل سوره ای مانند قرآن بیاورند، تا اگر نتوانستند چنین کاری انجام دهند، معلوم شود که این کتاب بزرگ از طرف خداوند نازل شده است. از زمان نزول قرآن تا به حال، هیچ کس نتوانسته سوره ای مانند سوره های قرآن بیاورد. با توجه به اینکه دین مقدس اسلام، از ابتدا دشمنان فراوانی داشته است که تمام سعی و تلاش خود را برای از بین بردن آن انجام داده و از هیچ عملی در این راه کوتاهی کرده اند، عجز آنها از آوردن سوره ای مانند قرآن، دلیلی دیگر بر معجزه بودن این کتاب الهی است.

۷- قرآن از جهت نبود اختلاف در آیات آن معجزه است، زیرا کتابی با این وسعت علوم، اگر کلام غیر خداوند باشد، در آن اختلافات زیادی خواهد بود، در حالی که بین آیات قرآن هیچ اختلافی وجود ندارد.

معلوم شد قرآن کریم به دلایل مختلف و متفاوت معجزه است. البته ممکن است کسی در بعضی از موارد مذکور، تخصص نداشته باشد و بگوید از این راه نمی توانم به معجزه بودن قرآن یقین کنم، ولی هر انسان منصف و حقیقی، اگر به تمام موارد اعجاز قرآن با هم توجه کند و همه آنها را در نظر بگیرد، یقین صد در صد پیدا می کند که این کتاب معجزه است و نه کلام بشر، که سخن خداوند است و از طرف او برای هدایت انسانها نازل شده است. با این همه، اگر کسی باز هم قرآن را نپذیرد، قطعاً مغرض است و از روی عناد و استکبار، آیات قرآن را انکار می کند، و چنین شخصی مستحق عذاب الهی است.

هَذَا هُدًى وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَهُمْ

عَذَابٌ مِنْ رَجْزِ أَلِيمٍ (۱۶)

«این قرآن، موجب هدایت است و کسانی که به آیات پروردگارشان کافر شوند، برایشان عذابی دردناک مهیاست.»

جامعیت قرآن کریم

دین مقدس اسلام مشتمل بر علوم و معارف فراوانی است. بخشی از این علوم مربوط به عقاید و مسائل فکری مانند شناختن خداوند متعال و صفات و اسمای نیکوی او، شناختن دنیا و آخرت و مراتب هستی، شناختن انسان و... است، بخشی دیگر به اخلاق پسندیده مانند رضا، توکل، صبر، حسن خلق و... و اخلاق رذیله و ناپسند مانند عجب، کبر، حرص، سوء خلق و... مربوط می شود و بالأخره بخش سوم احکام اسلامی مربوط به اعمال خوب و بد انسانهاست و در آن بخش، اعمال واجب مانند نماز، روزه، حج، زکات و اعمال حرام مانند شرابخواری، قمار، ربا، غیبت مشخص و در همین بخش، اعمال مستحب و مکروه معلوم می شود. از برخی آیات و روایات چنین استفاده می شود که تمام علوم سه گانه فوق به طور کامل در قرآن مجید وجود دارند، یعنی قرآن کریم حاوی تمام علوم اسلامی اعم از عقاید، اخلاق و احکام است و همه آنها را بدون هیچ کم و کاستی در بر دارد. آیاتی مانند:

- وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ (۱۷)

«و قرآن را بر تو نازل کردیم در حالی که روشن کننده هر چیزی است.»

- مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرِي وَلَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ (۱۸)

«این قرآن سخنی نیست که بتواند دروغ باشد و لکن تصدیق کننده کتب پیشینیان و تفصیل هر چیزی است.»

- وَ مَا يَعْزُبُ عَنْ رَبِّكَ مِنْ مِثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَلَا أَصْغَرَ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ (۱۹)

«هیچ ذره ای در آسمان یا در زمین از پروردگار تو پنهان نیست و هیچ چیزی کوچکتر از آن و یا بزرگتر از آن نیست مگر آنکه در کتاب مبین وجود دارد.»

در روایتی از امام باقر (علیه السلام) آمده است:

- اِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمْ يَدَعْ شَيْئًا يَحْتَاجُ اِلَيْهِ الْاُمَّةُ اِلَّا اَنْزَلَهُ فِي كِتَابِهِ (۲۰)

«خداوند تبارک و تعالی هیچ چیزی را که امت پیامبر به آن نیاز دارند، رها نکرده مگر آنکه آن را در قرآن نازل فرموده است.»

بنابراین تمام علوم اسلامی به طور کامل در قرآن

◆ گرچه به برکت انقلاب مبارک اسلامی، در کشور جلسات قرآنی فراوانی خصوصاً برای نوجوان و جوانان دایر می شود، ولی متأسفانه در این جلسات بیشترین توجه صرف آموزش مخارج حروف و تجوید و صوت و چه بسا از معانی آن غفلت می شود، در حالی که آموختن واقعی قرآن، فرا گرفتن معانی و مفاهیم و توجه و تأمل در معانی آیات است که باعث می شود قرآن کریم با خون و گوشت جوان قاری مخلوط شود و قلب او را نورانی کند.



بر افکار و علومی است که دارد و هر انسانی آن گونه عمل می کند که می اندیشد. مثلاً انسان عاقل و بالغ چون می داند که آتش دست را می سوزاند و سوختن درد آور است، هیچ گاه به آتش دست نمی زند. اما بچه کوچک نمی داند آتش او را می سوزاند و به خاطر همین جهل، ممکن است دست خود را به آتش بزند و بسوزد. بنابراین افکار و علوم انسان مهمترین عامل در تعیین روش زندگی و چگونگی عمل وی به شمار می روند، زیرا اگر علوم و اعتقادات وی درست و مطابق با واقع باشند شخص راه درست و صحیح زندگی را انتخاب می کند و در نهایت به کمالی که طالب آن است می

رسد، و اگر آن علوم و اعتقادات، غلط و غیر واقعی باشند باعث می شوند انسان راه غلط و غیر صحیح زندگی را انتخاب کند و در نتیجه از رسیدن به کمال و سعادت که آرزوی آن را دارد محروم شود.

با نگاهی به زندگی انسانهای معمولی باید بگوییم که متأسفانه مشغول شدن به زندگی مادی و زیاد اهمیت دادن به رفع حوائج دنیوی باعث شده بسیاری از انسانها این فرصت را پیدا نکنند که علوم و افکار خویش را بررسی و درستی و نادرستی آنها را مشخص کنند، بلکه علوم و افکاری که در اثر ارتباط با دیگران و در اثر انس شدید با زندگی مادی برای آنها به وجود می آید، به همان صورت در ذهن آنان باقی می ماند که این مسئله دو خطر جدی و بزرگ به دنبال دارد: یکی اینکه بسیاری از اوها و خرافاتی که هیچ پایه و اساسی ندارد، به عنوان حقایق و علوم صحیح پذیرفته و بر طبق آنها عمل می شود و دیگر اینکه بسیاری از حقایق و واقعیات، جزو اوها و خیالات پنداشته شده و به آنها اهمیتی داده نمی شود، و چون پایه و ریشه زندگی چنین اشخاصی غلط است، در نتیجه شیوه و روش زندگیشان نیز صحیح نیست و چه بسا برای همیشه از رسیدن به سعادت بازمانند.

انس با قرآن کریم و تدبیر در آیات آن انسان را از این دو خطر بزرگ نجات می دهد، زیرا قرآن مجید از طرفی به طور مکرر حقایق عالم را بازگو می کند و با روشها و شیوه های مختلف آنها را به انسان آموزش می دهد و از سوی دیگر به طور

وجود دارند، البته معنای این سخن آن نیست که همه این علوم در ظاهر قرآن هستند تا هرکسی بتواند، با مراجعه به قرآن از تمام محتوای دین اسلام آگاهی پیدا کند که اگر این گونه بود انسانهای معمولی برای شناختن کامل اسلام احتیاجی به پیامبر و اهل بیت «صلی الله علیه و آله» نداشتند. بلکه برای هر مسئله ای اعم از اعتقادی، اخلاقی و فقهی، مستقیماً به قرآن مراجعه و پاسخ آن را پیدا می کردند. بسیاری از مسائل اسلامی، مخصوصاً جزئیات احکام فقهی، در ظاهر قرآن بیان نشده اند. به عنوان مثال یکی از مهمترین اعمال واجب در دین مقدس اسلام، نماز است. برای خواندن نماز، دانستن تعداد رکعات نماز و چگونگی خواندن آن ضروری است در حالی که هیچ یک از این دو در ظاهر قرآن بیان نشده اند، مثلاً در هیچ کجا از اول تا آخر قرآن نیامده است که نماز مغرب سه رکعت و نماز عشا چهار رکعت است. در نتیجه معنای این سخن که تمام علوم اسلامی به طور کامل در قرآن کریم وجود دارند این است که بخشی از این علوم در ظاهر قرآن هستند و انسانهای معمولی با مراجعه به قرآن می توانند آنها را بفهمند و به آن عمل کنند و بخش دیگری از علوم، در باطن قرآن مجید وجود دارند و انسانهای معمولی به طور عادی نمی توانند آنها را بفهمند و فقط پیامبر و اهل بیت هستند که علاوه بر تمام ظاهر قرآن، باطن آن را نیز به طور کامل می دانند و لذا آنها می توانند همه علوم اسلامی را از قرآن کریم استخراج کنند و انسانهای معمولی وظیفه دارند در آن بخش از علوم اسلامی که خود نمی توانند از قرآن بفهمند، به پیامبر و اهل بیت مراجعه و از بیان آنها تبعیت کنند.

بر اساس یک روایت، شخصی از امام باقر «علیه السلام» پرسید: آیا قرآن برای انسانها کافی است؟ امام فرمودند: آری، اگر برای آن مفسری پیدا کنند. آن شخص پرسید: آیا رسول اکرم قرآن را تفسیر نکرد؟ امام فرمودند: آری، آن را تفسیر کرد ولی فقط برای یک نفر تفسیر کرد و او علی بن ابی طالب «علیه السلام» است و سپس او را به امت معرفی کرد تا تفسیر قرآن را از او بیاموزند. (۲۱)

قرآن کریم از بین برنده جهل

هر انسانی در زندگی به دنبال کمال و سعادت و لذت است و برای رسیدن به این هدف برنامه های مختلفی را طرح ریزی کرده و به آنها عمل می کند تا در پرتو آنها، به کمال مطلوب خویش برسد. در حقیقت تمام اعمال و روش زندگی انسان مبتنی

روشن و واضح، بطنان خیالات و اوهای که ممکن است انسان به آنها معتقد شود را تبیین کرده و مؤمنان را از اعتقاد پیدا کردن به آنها بر حذر می دارد.

برای روشن تر شدن مطلب، به ذکر مثالهایی می پردازیم:

مثال اول: بعضی خیال می کنند زیادی اموال و اولاد موجب سعادت و کمال می شود و کسی که اموال و فرزندان زیادی داشته باشد، انسان خوشبخت و سعادت‌تمندی است و اگر کسی تنها و غریب باشد و مال و ثروت چندانی نداشته باشد، انسان بدبخت و بیچاره ای است که راهی به سعادت و لذت ندارد. اما قرآن به ما می آموزد که این اعتقاد، خیالی واهی بیش نیست و اموال و اولاد به خودی خود نه موجب سعادت هستند و نه موجب شقاوت، بلکه فقط امتحانی الهی هستند و مفید یا مضر بودن آنها بستگی به طرز برخورد انسان با آنها دارد.

- **أَمْ أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ (۲۲)**

«بدرستی که مال ها و فرزندان شما فقط برای امتحان شما هستند».

و حتی گاهی این نعمت های دنیوی، در جایگاه دشمن انسان قرار می گیرند:

- **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ (۲۳)**

«ای کسانی که ایمان آورده اید! بعضی از همسران و فرزندان شما دشمن شما هستند پس از آنها پرهیز کنید».

◆ قرآن به ما می آموزد که این اعتقاد که فراوانی ثروت و فرزندان خوب است، خیالی واهی بیش نیست و اموال و اولاد په خودی خود نه موجب سعادت هستند و نه موجب شقاوت، بلکه صرفاً امتحانی الهی هستند و مفید یا مضر بودن آنها بستگی به طرز برخورد انسان با آنها دارد.

مثال دوم: کفار تصور می کنند اعمالشان برایشان فایده دارد و آنها را به لذت و سعادت می رساند، در حالی که این عقیده، توهمی بیش نیست و اعمال کفار، بی ارزش است و برای آنها هیچ فایده ای ندارد. خداوند متعال این مطلب را با تشبیه بسیار زیبایی بیان فرموده است به این صورت که کفار مانند انسان تشنه ای در بیابان و اعمال آنها مانند سراب است و آنها می پندارند که آن سراب، آب است و آنها را سیراب می کند ولی وقتی نزد آن می روند می بینند سرابی بیش نیست. به عبارت دیگر وقتی قیامت برپا و حقیقت امر روشن می شود، کفار، خداوند متعال را بروشنی می یابند و می فهمند که اعمالشان نه تنها هیچ ارزشی ندارد، بلکه باید حساب آنها را به پروردگارشان پس دهند و تبعات آن را به گردن گیرند.

وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ بِقِيَمَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمَانُ مَاءً حَتَّى إِذَا جَاءَهُمْ لَمْ يَجِدْهُ سَيْبًا وَوَجَدَ اللَّهُ عِنْدَهُ فُوقًا حِسَابَهُ وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ (۲۴)

«و کسانی که کافر شدند اعمالشان مانند سرابی در بیابان است که تشنه، آن را آب می پندارد، ولی هنگامی که به آنجایی رود چیزی نمی یابد و خداوند را می یابد و خدا به طور کامل به حساب او رسیدگی می کند و خداوند سریع الحساب است.»

مثال سوم: ممکن است کسی خیال کند می تواند هر مطلبی که می شنود بازگو کند و این کار، رفتاری معمولی است ولی حقیقت این است که اگر کسی مطلبی را که به آن علم ندارد بگوید و آن را در بین مردم منتشر کند، مرتکب گناه بزرگی شده است و این عمل وی در عالم واقع و در نزد خداوند متعال، بسیار ناپسند است و آثار و تبعات خیلی بدی به دنبال دارد.

إِذْ تَلَقَوْهُ بِاللَّيْلِ كَأَن يَصْخَرُ وَمَا لَهُمْ لَئِمٌ حَتَّىٰ يَأْتِيَ الْبُحْرَىٰ وَمَا لَهُمْ لَئِمٌ حَتَّىٰ يَأْتِيَ الْبُحْرَىٰ وَمَا لَهُمْ لَئِمٌ حَتَّىٰ يَأْتِيَ الْبُحْرَىٰ وَمَا لَهُمْ لَئِمٌ حَتَّىٰ يَأْتِيَ الْبُحْرَىٰ

«زمانی که (شایعات منافقان را) از زبانهای یکدیگر تلقی می کردید و آنچه به آن علم نداشتید می گفتید و می پنداشتید این کار، عمل ساده و کوچکی است، در حالی که این عمل نزد خداوند گناه بزرگی است.»

مثال چهارم: بعضی خیال می کنند مصیبت هایی که به مؤمنان می رسد، بدون حساب و کتاب است و اگر مثلاً در جنگ بین مؤمنان و کفار، تعداد مؤمنان و تجهیزات آنان بسیار کمتر از کفار باشد، یقیناً مصیبت هایی مانند کشته و مجروح

شدن و شکست خوردن دامنگیر مؤمنان می شود و هیچ کس نمی تواند از وقوع آنها جلوگیری کند. اما این عقیده، خیالی باطل و وهمی نادرست است و حقیقت این است که خداوند متعال هر نوع مصیبتی بلکه هر نوع حادثه ای را پیش از وقوع، در جایی نوشته است و در عالم خارج فقط پدیده هایی به وقوع می پیوندند که قبلاً در آنجا ثبت و تقدیر شده باشند و امکان ندارد حادثه ای بدون تقدیر قبلی خداوند، واقع شود. و

قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا (۲۶)

«بگو ای پیامبر! هرگز چیزی به ما نخواهد رسید مگر آنچه خداوند برای ما نوشته است.»

در آیه ۱۵۴ سوره آل عمران نیز شبهه ای از طرف منافقان مطرح و پاسخ آن بیان شده است:

يَقُولُونَ هَلْ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ مِنْ شَيْءٍ؟ قُلْ إِنَّ الْأَمْرَ كُلَّهُ لِلَّهِ.

«منافقان می گویند: آیا چیزی از امر به دست ما هست؟ بگو تمامی امر برای خداوند است.»

منافقان در بعضی از جنگها با توجه به کم بودن تعداد و تجهیزات مؤمنان می گفتند: آیا می توانیم کاری از پیش ببریم و آیا امکان موفقیتی برای ما هست؟ خداوند متعال به آنها چنین پاسخ داده است که تمام امر به دست خداوند است و در عالم فقط هر چه او بخواهد واقع می شود و تمام حوادث تابع اراده خداست. مثلاً اگر خداوند اراده کند، می تواند گروهی با تعداد کم و تجهیزات اندک را بر گروهی بسیار با تجهیزاتی فراوان پیروز کند. حقیقت این است که تمامی حوادث بدون استثنا مقهور اراده و تقدیر و نوشته خداوند متعال است، هر چند بسیاری از انسانها این حقیقت را قبول نداشته باشند و آن را جزو خیالات و موهومات پندارند.

قرآن کریم از بین برنده غفلت

غفلت، از صفاتی است که مانند جهل، از خطرناکترین دشمنان سعادت و کمال انسان محسوب می شود. غفلت به خلاف جهل ربطی به واقعیاتی که به آنها علم نداریم ندارد، بلکه مربوط به حقایقی است که می دانیم و به آنها اعتقاد داریم، ولی در اثر انس شدید به زندگی مادی و محبت دنیا، از آن غافلیم و آنطور که شایسته و لازم است به آن حقایق توجه نمی کنیم.

باید دانست آنچه که غفلت را از بین می برد علم نیست؛ موعظه و یادآوری است. زیرا در اثر موعظه و یادآوری (البته اگر با استقبال مخاطب مواجه شود)، در شخص حالتی ایجاد می شود که به آن حالت تذکر می گوئیم. حالت تذکر کاملاً

مخالف غفلت است و با آمدن تذکر، غفلت از بین می رود.

بسیاری از ما این تجربه را داریم که گاهی در درس اخلاق انسان خودساخته و عارفی که دارای نفسی قدسی است شرکت کرده ایم و آن مرد ربانی برای ما از خداوند و معنویات و آخرت سخن گفته و ما را از گناه و محبت دنیا بر حذر داشته است و ما در پایان جلسه، احساس کرده ایم در درونمان حالت خاصی ایجاد شده که به واسطه آن حالت، تصمیم می گیریم دیگر گناه و معصیت را ترک کنیم و از آن پس در راه تهذیب و کسب معنویت گام برداریم. در حقیقت این حالت بر اثر همان تذکر و از بین رفتن غفلت است. اگر دقت کنیم می بینیم که آن عارف الهی برای ما مطلب جدیدی نگفته و علم تازه ای به ما نیاموخته است، بلکه با تکرار، توجه دادن و یادآوری همان مسائلی که خودمان هم بلد بودیم و به آنها اعتقاد داشتیم، در ما حالت تنبه ایجاد کرده است.

برای اینکه معنای غفلت و تذکر بیشتر روشن شود یک مثال می زنیم. مرگ از مسائلی است که همه مسلمانها، بلکه همه انسانها آن را قبول دارند و در مورد آن هیچ شک و تردیدی ندارند. همه ما می دانیم که بالاخره یک روز می میریم و از دنیا می رویم و هیچ کدامان هم نمی دانیم که چه زمانی و در کجا می میریم و اینکه هر لحظه امکان دارد مرگ به سراغ انسان بیاید. با این حال، دلبستگی شدید به زندگی دنیوی و ارتباط با افراد و وسایل مادی باعث می شود از این مسئله یقینی، غفلت کنیم و به آن توجه لازم نداشته باشیم. حال اگر یکی از نزدیکترین بستگان یا دوستانی که رابطه نزدیکی با ما دارد از دنیا برود، ناگهان آن حالت غفلت در ما از بین می رود و تا چند روز نسبت به مرگ توجه و تذکر پیدا می کنیم ولی با گذشت چند روز، دوباره غبار غفلت و فراموشی ما را فرا می گیرد و باز هم مانند گذشته تمام فکر و ذهن ما را مسائل مادی مشغول می سازد.

از ویژگیها و برکات قرآن کریم، موعظه کردن و تذکر دادن و در نتیجه از بین بردن غفلت است. خود خداوند نیز در موارد متعددی، از قرآن با عنوان ذکر و ذکری و موعظه یاد کرده است. کسی که به طور مستمر آیات قرآن را تلاوت و به معنای آنها توجه کند، خود به خود نسبت به حقایق عالم، حالت توجه و تنبه پیدا می کند و از خواب سنگین غفلت که دیگران به آن مبتلا هستند بیدار می شود، زیرا حقایق و واقعیات مهم و سرنوشت سازی که معمولاً مورد غفلت

باید دانست آنچه که غفلت را از بین می برد علم نیست؛ موعظه و یادآوری است. زیرا در اثر موعظه و یادآوری (البته اگر با استقبال مخاطب مواجه شود)، در شخص حالتی ایجاد می شود که به آن حالت تذکر می گوئیم. حالت تذکر کاملاً مخالف غفلت است و با آمدن تذکر، غفلت از بین می رود.



کردند.

با توجه به مطالب پیش گفته و اینکه قرآن کریم از بزرگترین نعمتهای خداوند متعال به بشریت است، باید تا حد توان به این کتاب مقدس اهمیت دهیم و از رهنمودهایش استفاده کنیم. از طرفی باید برای ساختن خود و رسیدن به سعادت واقعی و شفای مرضهای قلبی و روحی خود از قرآن کمک بگیریم، زیرا آیات قرآن از طرف خالق انسانها نازل شده و خالق انسانها نیز به تمام ابعاد وجودی مخلوقاتش علم کامل

دارد، به همین سبب هر چه برای رسیدن به سعادت و کمال لازم باشد در قرآن نازل فرموده و راه علاج تمام امراض و آلودگیهای قلبی انسان را که ممکن است خود انسان نیز از آنها بی خبر باشد در قرآن بیان کرده است، پس ما باید برای رسیدن به کمال و سعادت و برای نجات خویش از آلودگیهای نفس اماره و امراض قلبی، بیشترین استفاده را از قرآن، این نسخه شفابخش الهی ببریم. از طرف دیگر باید برای تبلیغ دین مبین اسلام و برای گفت و گو با صاحبان ملتها و تمدنهای دیگر، بیشترین استفاده را از این کتاب نورانی بکنیم، چرا که داشتن چنین کتابی در حقیقت امتیازی است که با آن می توانیم تمامی مکتب ها و مذهب های باطل را مغلوب و دین واقعی خداوند را بر همگان عرضه کنیم. ما برای گفت و گو با افکار و مکاتب مختلف مانند مسیحی ها، یهودی ها، مادی ها و... حتی برای گفت و گو با فرقه های منحرف از مسلمین، وسیله ای قدرتمند و شکست ناپذیر داریم که با آن می توانیم بر تمام گروههای مذکور پیروز شویم و آن قرآن مجید است. پس باید با دقت و تأمل در آیات آن ابتدا خود آن را بفهمیم و به دستورات عالی اش عمل کنیم و سپس تمام سعی و تلاش خود را برای معرفی قرآن به دیگران به کار ببریم و سرمایه ها و اوقات و اموال خود را برای شناساندن آن در جهان صرف کنیم، تا بتوانیم ذخیره ای گرانبها با خود به قیامت ببریم و از بهترین افراد امت پیامبر «صلی الله علیه و آله» باشیم. چرا که ایشان فرموده اند:

خیرکم من تعلم القرآن و علمه (۲۸)

«بهترین شما کسانی هستند که قرآن را فرا گیرند و آن را به دیگران بیاموزند.»
مطلب پایانی اینکه همه ما وظیفه ای سنگین داریم که قرآن را به فرزندان خود و به نوجوانان

و جوانان آموزش دهیم. گرچه به برکت انقلاب مبارک اسلامی، در این مملکت مقدس جلسات قرآنی فراوانی خصوصاً برای نوجوان و جوانان دایر می شود، ولی متأسفانه در این جلسات بیشترین توجه صرف آموزش مخارج حروف و تجوید و صوت و چه بسا از معانی آن غفلت می شود، در حالی که آموختن واقعی قرآن، فرا گرفتن معانی و مفاهیم و توجه و تأمل در معانی آیات است که باعث می شود قرآن کریم با خون و گوشت جوان قاری مخلوط شود و قلب او را نورانی کند و او را به سوی خداوند متعال سوق دهد.

در خاتمه امیدواریم خداوند متعال به وسیله این کتاب مبارک ما را به راه سلامت که همان راه رسیدن به خود اوست هدایت فرماید.

یَهْدِي بِهٖ اللّٰهُ مِنَ اللّٰهِ رِضْوَانَهُ سَبِيْلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ اِلَى النُّوْرِ بِاِذْنِهِ وَيَهْدِيَهُمْ اِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ (۲۹)

«خداوند به وسیله قرآن، کسانی را که از خشونتی او پیروی کنند، به راه های سلامت هدایت می کند و به اذن خویش آنها را از تاریکی ها به سوی نور خارج می سازد و آنها را به راه راست هدایت می کند.»

پاورقی ها:

۱۳. قدر، ۱.
۱۴. دخان، ۳.
۱۵. بقره، ۱۸۵.
۱۶. جاثیه، ۱۱.
۱۷. نحل، ۸۹.
۱۸. یوسف، ۱۱۱.
۱۹. یونس، ۶۱.
۲۰. الکافی، ج ۱، ص ۵۹.
۲۱. همان، ص ۲۵۰.
۲۲. تغابن، ۱۵.
۲۳. همان، ۱۴.
۲۴. نور، ۳۹.
۲۵. همان، ۱۵.
۲۶. توبه، ۵۱.
۲۷. فرقان، ۳۰.
۲۸. مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۲۳۵ و الامالی، شیخ طوسی، ص ۳۵۷.
۲۹. مانند، ۱۶.

انسانها واقع می شوند در قرآن به طور مکرر و به صورت های مختلف بیان شده اند. از جمله حقایقی که در قرآن به طور مکرر مورد توجه قرار گرفته می توان به مسائل زیر اشاره کرد:

خداوند متعال در همه جا حاضر است و تمامی اعمال و افکار بندگان خود را می بیند، پروردگار قدرت انجام هر کاری را دارد، تنها راه رسیدن به سعادت واقعی، عمل کردن به محتوای دین است، خداوند سبحان بسیاری از امت های پیشین را به خاطر گناهانشان عذاب کرده و اگر بخواهد می تواند انسانهای دیگر را نیز در حال گناه به عذاب ابدی گرفتار سازد، زندگی دنیا بازیچه ای بیش نیست و زندگی واقعی در آخرت است، مرگ به سراغ همه می آید، در آخرت هرکسی باید حساب پس بدهد و سعادت و شقاوت انسانها بستگی به عقاید و اعمال آنها دارد و بالاخره در آخرت گروهی برای همیشه به بهشت و گروهی برای همیشه به جهنم می روند.

این حقایق و نکات مهم دیگر، بارها در قرآن کریم ذکر شده اند به همین دلیل، انس با قرآن، باعث توجه به آنها و در نتیجه باعث نجات از بلائی مهلک غفلت می شود.

مهجوریت قرآن کریم

قرآن مجید این کتاب بزرگ الهی با همه عظمت و منزلتش، متأسفانه در بین مسلمانان مهجور است. به این معنی که مسلمانان به اندازه لازم و شایسته به این کتاب انسان ساز توجه و از آثار و برکات آن استفاده نمی کنند و در نتیجه خود را از رسیدن به کمالات انسانی محروم می سازند. به همین دلیل رسول اکرم «صلی الله علیه و آله» در روز قیامت از امت خویش به دلیل کم توجهی آنان به قرآن و ترک آن، نزد خداوند متعال شکایت می کند:

وقال الرسول يا رب ان قومي اتخذوا هذا القرآن مهجورا (۲۷)

«و گفت پیامبر، پروردگارا! قوم من قرآن را رها

◆ قرآن مجید این کتاب بزرگ الهی با همه عظمت و منزلتش، متأسفانه در بین مسلمانان مهجور است. به این معنی که مسلمانان به اندازه لازم و شایسته به این کتاب انسان ساز توجه و از آثار و برکات آن استفاده نمی کنند و در نتیجه خود را از رسیدن به کمالات انسانی محروم می سازند.